

گفتار دوم ..... ۱۶

آموزش برای مرحله بعدی تکامل ..... ۱۶

## گفتار دوم

### آموزش برای مرحله بعدی تکامل

راشمی مایر

آینده است که قانون امروزمان را تعیین می کند.  
جی. دبلیو. نیچه

وقتی به عنوان یک آینده پژوه به آموزش سازمان یافته امروز و پیامدهای شوم آن که در همه جا مشهود است، می نگرم ترس و نگرانی بی سابقه ای وجودم را فرا می گیرد. تقریباً در سراسر دنیای غرب، یادگیری برای فراگیران به پدیده ای ناخوشایند تبدیل شده است. آنها از کتاب، کلاس و معلم بیزارند. در ایالات متحده آمریکا وحشت معلم از دانش آموزان به حدی است که گویی جنایتکارند!

نظام آموزشی در هند، کنیا و مالزی میراث استعمار است و با اهداف امروز آنها هیچگونه سنخیتی ندارد. پرورش آدمهای سبک عقل بیسواد و نیز جاودانه سازی نهادها و ارزشهایی که تماماً با فرهنگ و مسایل آنها بیگانه است.

همان نظامی که اروپائیان بنابر نیازها، شرایط و اهداف استعمارگران خود ابداع کردند، تقریباً در سراسر جهان رواج یافته است. در برخی از کشورها اندکی تغییر کرده و در کشورهای مستعمره پس از کسب استقلال تغییر چندانی نیافته است. هدف آن نظام، افزایش

معرفت و پرورش خلاقیت دانش‌پژوهان نبود، بلکه به منظور خدمت به طبقات قدرتمند و امپریالیست‌های غربی طراحی شده بود که فقر و فلاکت را برای میلیون‌ها انسان به ارمغان آورد و غارت منابع آنها را به دنبال داشت.

نظام آموزشی امروز، از دانش‌پژوهان می‌خواهد که آنچه را به آنان تدریس می‌شود، حفظ کنند ولی این کار باعث رشد توانایی آنها در اندیشیدن، پرسیدن، تحقیق و یا اجرای تحقیقات علمی نمی‌شود. این نظام در رشد استعداد‌های بالقوه دانش‌پژوهان یا یافتن هدف‌های پرمعنا برای زندگی و یا حتی درک ماهیت دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، هیچ نقشی ندارد.

در این نظام برای دخالت فرد یا جامعه در امر توسعه جایی منظور نشده است. هدف آن تنها تولید کارگران مفید برای پیشبرد اهداف سرمایه‌داری است. خروجی آموزشگاه‌ها، دانشگاه‌ها و مدارس عالی جریانی از آموخته‌های شبیه انسان است. به کسانی که می‌توانند از دژ آموزش و کسب مدرک بگریزند، نوید شغل خوب و امکانات رفاهی در آرمانشهر صنعتی داده می‌شود؛ یعنی تمام رؤیاهای یک فرد آمریکایی!

اگر آموزش جزو ملزومات توسعه پایدار است، در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین چهره‌ای زشت و عبوس دارد و هر روز هم بدتر می‌شود. نصف جمعیت این کشورها بیسوادند و بیشتر مردم آنها از داشتن مدرسه، معلم و کتاب، حتی به شکل سنتی آن هم محرومند. و در مقایسه با امکانات وسیع دنیای غرب که اصلاً حرفش را هم نباید زد. این جوامع با بحران‌های شدیدی از قبیل آلودگی، گرسنگی، فقر، بیماری، محرومیت و مرگ مواجهند. توده مردم آنها از یک سو قربانی نهادهای کهنه و از سوی دیگر ساختارهای تکنولوژی استکباری می‌شوند. قدرتمندان جوامع مذکور، با چنگ و دندان از این نظام آموزشی حمایت می‌کنند.

خوشبختانه امروز امکان قیام علیه این نظام آموزشی کهنه و ظالمانه فراهم است. گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی در ۱۵۰ سال گذشته، فرصتهایی را ایجاد کرده که پیش از این تصور

آن هم نمی‌رفت. این تکنولوژیها عبارتند از: کامپیوتر، وسایل سمعی و بصری، سی‌دی‌رام، ماهواره و آموزش عملی خلاقیت از طریق "فرآیند حل مسأله". حتی فقیرترین جوامع نیز چنانچه بتوانند این تکنولوژیها را با فرهنگهای بومی وفق دهند، با هزینه بسیار اندک قادر به یادگیری همگانی خواهند بود. این نوع یادگیری، تقریباً در همه جا اعم از کارخانه، منزل، مزرعه، انجمنها و هر جای دیگری حتی در دورافتاده‌ترین نقاط، امکان‌پذیر است. با استفاده از تکنولوژیهای ارتباطی نوین، ما می‌توانیم بر محدودیت زمان و مکان غلبه کنیم. به کتاب، کلاس و معلم هم نیازی نیست. به این ترتیب، سراسر جهان به کلاس و هر فرد به یک یادگیرنده مادام‌العمر تبدیل خواهد شد. آن وقت رشد انواع استعدادهای مغزی بالقوه بشر امکان‌پذیر خواهد شد. امیدو است که این نوع یادگیری به توسعه یک بینش وسیعتر و اهداف اجتماعی لازم برای پی‌ریزی نظم نوین جهانی بر پایه برابری و عدالت منجر شود.

بازسازی نهادهای آموزشی برای میلیونها انسان در گوشه و کنار جهان، وظیفه‌ای آشکار و کوششی طاقت‌فرسا و درازمدت است. اما تلاشهای بزرگ، قربانیهای بزرگ می‌طلبند. بشر هرگز به آزادی واقعی دست نخواهد یافت مگر آنکه یکایک انسانها از کلیه امکانات یادگیری، توسعه، رشد خلاقیت و شناخت اهداف نهایی زندگی بهره‌مند شوند. آنوقت تقریباً نیمی از بدبختیهای بشریت از میان خواهد رفت. در آن روز همه انسانها از فرصت مساوی برای نیل به شکوفایی و حرکت به سوی مرحله بعدی تکامل برخوردار خواهند بود. آنوقت آنچه اتفاق بیافتد، بسیار فراتر از تصورات ما خواهد بود؛ زیرا نیروی توانای خلاقیت ما برای از بین بردن محدودیتهای مکانی و زمانی جهان مادی تقویت خواهد شد. همانطور که "شلی" شاعر بزرگ، عاقلانه چنین پیش‌گویی می‌کند:

"اما انسان می‌تواند

خلق کند

گوشه‌های واقعی تری

از انسان زنده را

همان شیرخوران فناپذیر!"